

«اعتکاف» زیست در جهانی روحانی است

اعتکاف رابطه صمیمانه، معاشرت، موانست، مراودات و نشئه حضور خاشعانه و خاضعانه در بارگاه ضیافت امر الوهی است.



اعتکاف رابطه صمیمانه، معاشرت، موانست، مراودات و نشئه حضور خاشعانه و خاضعانه در بارگاه ضیافت امر الوهی است.

به گزارش خبرنگار مهر، در آستانه آغاز مارسم اعتکاف حجت الاسلام حمید احمدی به بیان اهمیت این موضوع پرداخته است که در ادامه می خوانیم:

اعتکاف رابطه صمیمانه، معاشرت، موانست، مراودت و نشئه حضور خاشعانه و خاضعانه در بارگاه ضیافت امر الوهی است.

اعتکاف خلوت سلوک، سکوت و کنش معنوی معتکف در دروازه حضور در پیشگاه «او» است! اعتکاف، نشان، رمز اشارت، بشارت و آیتی از «او» در جان آدمی بیدار می کند و روحش را در حریم «او» به اهتزاز در می آورد.

اعتکاف حضور در ساحت مقدس سرای الهی، روی تافتن از جهان نیست، بلکه دیدن و زیست جهان در ساحت و مرتبتی عمیقاً معنوی و روحانی تر است.

اعتکاف رزق روحانی است که از سنخ قوت حیوانی نیست و معتکف کسی است که بر خوان ضیافت معنویت و مائده آسمانی بار یافته است که از جنس نور است که به لطف حق روزی بندگانش می شود.

رزق اصلی بشر نور خداست / قوت حیوانی مر او را ناسزاست

شد غذای آفتاب از نور عرش / مرحسود و دیو را از دود فرش

در شهیدان یرزقون فرمود حق / آن غذا را نی دهان بد، نی طبق.

به برکت این رزق ملکوتی، جهان اهل اعتکاف، همواره سرشار از نشاط معنوی و روحانیت است.

معتکف کنش گر ایمان و ارادت خویش است و در نشئه حضور بر صحنه ایستاده و به ابدیت امیدوار است و می کوشد به خویشتن معرفت یابد و آن را در این جهان معنا کند و فهم نماید.

معتکف خود را مهاجر و مسافر مقام و مرتبتی دیگر می یابد و دلتنگ بازگشت به اقلیم و سپهری دیگر است. این نگاه به هستی، معرفت و ادراک آدمی را از حقایق فراخ تر و عمیق تر می سازد.

این همان چیزی است که عقلانیت آتشناک و مدنیت مضطرب، انسان محور و منقطع از ملکوت از آن تهی شده و فاصله گرفته است.

از سویی ساحت اعتکاف ساحت استغفار است که از نیکوترین و احسن اعمال در ماه رجب باشد. چون که در این سلوک معنوی مجالی برای اندیشیدن بیشتر به خود، افکار خود، انگیزه، توان، کاستی و عقب ماندگی های خود است.

رهاورد این تفکر و تأمل، گناه آگاهی است. چون گناه آگاه است، به طلب گذشت و غفران از غفلت ها و خودفراموشی ها و خودخواهی ها، خلودپنداری در بهشت پنداری این گیتی شائق است، چون بدین حقیقت واقف می شود که هدر رفت سرمایه و عمر آدمی جز با عذر به درگاه «او» بردن و از «او» استمداد طلبیدن برای جبران، گریزی نباشد و از این رو استغفار نه صرف جاری شدن کلمه و عبارتی بر زبان باشد بلکه مدد جستن از حق و عزیمت و آغازی دوباره و حرکتی نو است.

اگر اعتکاف حرکت و عزیمت به سوی مراتب الوهی، قدسی و متعالی باشد، آدمی هر اندازه به سپهرهای الهی و قدسی و متعالی تر وجود نزدیک تر و مقرب تر، گناه آگاه تر خواهد بود و تلاش می کند تا از حجاب و غبارش برهد.

از دیگر سو، معتکف زائر است! شاید بدین سبب ماه رجب تلاقی امر زیارت و اعتکاف شده و به هر دو فضیلت یافته است.

معتکف هم چون زائر در ساحت های قدسی و روحانی یعنی مساجد، سکون و قرار و حضور می یابد، از این رو او هم زائر است چون هر وجود و یا هر مکان و زمانی که محمل و تجلی گاه امر الوهی واقع شده باشد و یا بهره ای از ساحات و مراتب امر قدسی و الوهی برده باشد، یا آن که آن را واسطه فیض قدسی بیابیم، در پیشگاه "او" زائر و آن جا زیارت گاه خواهد بود.

از نگاه اشراقی و عرفانی، اماکن مقدس، مولود تلاقی امر زیبا و قدسی اند. از این رو حضور در ضیافت اعتکاف، حضور زائرانه در محضر اوست و این حضور غفلت زدا و دور شدن از نفسانیت و تولد انسان نورانی است.

به میزانی که توفیق تحصیل معرفت و درک جمال و جلال محبوب در این ضیافت شود، یاد یار و خیال معشوق با همه سوز و گدازهایی که به تجربه در آمده، اشتیاقی در جان و لوح وجود آدمی مشتعل می سازد که همه عمر شهد گوارایش زیست او را عاشقانه و با نشاط و با یاد یار شیرین کند و توشه ای برای زیست و حیات معقول و الوهی فراهم سازد.

سر من مست جمالت دل من دام خیالت گهر دیده نثار کف دریای تو دارد ز تو هر هدیه که بردم به خیال تو سپردم. که خیال شکرینت فر و سیمای تو دارد. غلطم گر چه خیالت به خیالات نماند.

همه خوبی و ملاحظت ز عطاهای تو دارد. چنان زیست نماید که همه عالم رخ او ببند و هرکسی و در هر سرا و منظر بلکه همه آفاق وجه او ببند. "وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ."